چهل حدیث حج

نویسنده: جواد محدثی



بسم الله الرحمن الرحیم

چهل حدیث حج

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
چهل حدیث حج ----- ۸
مشخصات کتاب ----- ۸
اشاره ----- ۸
مهمان حرم ----- ۱۵
پیشگفتار ----- ۱۷
سرزمین برگزیده ----- ۱۹
خانه آزاد ----- ۲۱
حج، بازار آخرت ----- ۲۳
سهل انگاری در حج ----- ۲۵
الزام به حج ----- ۲۷
مهمان معنویّت ----- ۲۹
پاکی نیّت ----- ۳۱
انواع حج و حجّاج ----- ۳۳
درس احرام ----- ۳۵
«سعی» و تواضع ----- ۳۷
درس عبودیّت ----- ۳۹
فوت در حرمین ----- ۴۱
آداب همسفری ----- ۴۳
ادب حجّ ----- ۴۵
ضیافتخانه الهی ----- ۴۷
نماز در مسجدالحرام ----- ۴۹
طواف یا نماز؟ ----- ۵۱

امام زمان «ع» در موسم حج ----- ۵۳
گسترش فرهنگ اهل بیت «ع» ----- ۵۵
آمرزش در عرفات ----- ۵۷
حجّ و توبه ----- ۵۹
نشانه حجّ مقبول ----- ۶۱
حج، تولّد جدید ----- ۶۳
حاجی و نور حج ----- ۶۵
پاداش حج ----- ۶۷
آثار حجّ ----- ۶۹
کمک به حجّاج ----- ۷۱
مهمان خدا ----- ۷۳
حج، برنامه بندگی ----- ۷۵
آرزوی بازگشت ----- ۷۷
استقبال حجّاج ----- ۷۹
زیارت پیغمبر ----- ۸۱
نتیجه اخروی زیارت ----- ۸۳
زیارت امامان ----- ۸۵
زیارت و ولایت ----- ۸۷
زیارت در حیات و ممات ----- ۸۹
سلام و عرض ادب ----- ۹۱
سلام بر پیامبر ----- ۹۳
هجرت به سوی قبر پیامبر ----- ۹۵
نماز در مسجدالنبی ----- ۹۷
غربت مدینه ----- ۹۹

منابع ----- ۱۰۱

درباره مرکز ----- ۱۰۲

چهل حدیث حج

مشخصات کتاب

نام کتاب: چهل حدیث حج

نویسنده: جواد محدثی

موضوع: ادعیه و حدیث

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: پاییز ۱۳۷۵

نوبت چاپ: ۱

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

مهمان حرم

ص:۸

شکر خدا زیارت پیغمبر آمدیمتوفیق یار شد که سوی این در آمدیم

ما لایق حضور تو هرگز نبوده‌ایملطف تو بود اینکه به این محضر آمدیم

آلوده‌ایم و از گنه خویش شرمساربا دستهای خالی و چشم تر آمدیم

ای مهربانِ بنده نواز و بزرگوارما خائف از محاسبه محشر آمدیم

ما دلشکسته‌ایم، ولیکن امیدوارما را ز خود مران که بر این باور آمدیم

با آرزوی دیدن مهدی «عج» در این دیاراز مروه تا صفای تو چون هاجر آمدیم

ص:۹

بوی گلی است در عرفات از حضور توسوی گل وجود تو ما با سر آمدیم

ما داغدار کوچِ هزاران ستاره‌ایم گریان ولی ز داغِ گل دیگر آمدیم

داغ بزرگ، مدفن پنهان فاطمه استما در پی زیارت این مادر آمدیم

جواد محدّثی

مدینه ۷/ ۲/ ۷۴

ص:۱۰

پیشگفتار

در اینجا نه مجال پرداختن به ابعاد مختلف فردی و اجتماعیِ «زیارت خانه خـدا» است، و نه در این مختصـر و گزیـده، چنین هدف و انگیزه‌ای در کار است.

انتخاب چهل حدیث، از دریای گسترده روایاتِ زیبا و نغز مربوط به «حج»، کار دشواری است.

برای آشنایی با رموز و اسرار حج و فلسفه و معارف نهفته در این عبادت، باید کتابهای فراوانی خواند و احادیث بسیار مطالعه کرد.

امّا ... این سـبب نمی‌شود که در یک مجموعه کوچک، چهل گوهر درخشان از سـخنان نورانی معصومین علیهم السـلام تقدیم شما عاشقان کعبه و حرم پیامبر نگردد.

ویژگی این مجموعه در این است که نه فقط به متن حدیث و ترجمه آن اکتفا شده و نه به شرح و توضیح مبسوط و مفصّل، همچون «اربعین حدیث» های گذشتگان

ص:۱۱

یا معاصران پرداخته شده است، بلکه راهی میان این دو شیوه!

بیانی کوتاه که در پی هر حدیث آمده، تنها به قصد بازگویی روشنتر مضامینِ تربیتی و سازنده‌ای است که در این کلمات نهفته است.

امید است زائران خانه خدا و شیفتگان معارف اهل بیت «ع» را سودمند افتد و گامی کوچک در بالا بردن فرهنگ معنوی حجّاج بیت‌اللّه الحرام به حساب آید.

قم-/ جواد محدّثی

مهر ۱۳۷۵

ص:۱۲

سرزمین برگزیده

قال رسول اللَّه صلى الله عليه و آله:

انَّ اللَّهَ عزّوجلّ اختارَ مِنْ كُلِّ شيءٍ شيئاً، اختارَ مِنَ الأرضِ مكّةَ وَاختارَ مِن مَكّةَ المسجدَ واختارَ مِنَ المسجِدِ المَوضِعَ الّذى فيهِ الكعبَةُ.

(مستدرك الوسائل، ج ۲، ص ۱۴۲)

پیامبر اسلام صلى الله عليه و آله فرمود:

خدای متعال، از هر چیزی، گزیده و انتخاب شده‌ای دارد. از زمین، «مکّه» را انتخاب کرد و از مکّه «مسجدالحرام» را و از این مسجد، جایگاهی را که «کعبه» در آن است.

ص:۱۳

هر انتخابی نشان دهنده فضیلت و مزیّتی است که در آن «برگزیده» وجود دارد و هر چه انتخاب کننده دقیق و آگاه باشد، آن «مُنتخب»، برتر و ارزشمندتر خواهد بود.

حال، باید دید گزیده‌های الهی از امّتها، انسانها، روزها، شهرها و جایگاهها چیست؟

مکّه، شهر برگزیده خداست، از این رو مقدّسترین شهر دینی است.

مسجدالحرام، مسجد منتخب الهی است، و ثواب نماز در آن برابر با صد هزار نماز در جاهای دیگر است.

کعبه هم جایگاه ممتاز و برگزیده الهی در مسجدالحرام و قبله‌گاه مسلمین است.

با این حساب، آیا حجّاج و زائران خانه خدا برگزیدگان الهی نیستند که توفیق زیارت بهترین شهر و عبادت در بهترین مسجد و طواف برگرد مقدسترین جایگاه را که خانه امن پروردگار است، دارند؟

دریغ بر آنان که موقعیّت خویش را درنیابند و در این جایگاه و مکان ممتاز، به کارهایی کم ارزش مشغول شوند.

بندگی و نماز خواندن و قرائت قرآن و خدمت به زائران خانه خدا و سلام دادن به اولیاء معصوم و حضور در جوار مرقدهای مطهّرشان از با فضیلت‌ترین کارهاست. توفیق الهی همراهتان باد.

ص:۱۴

خانه آزاد

عَنِ الْباقِرِ علیه السلام:

قُلْتُ لَهُ:لِمَ سُمِّیَ الْبَیْتُ العَتیقُ؟

قالَ:لِأَنَّهُ بَیْتٌ حُرٌّ عَتیقٌ مِنَ النّاسِ وَلَمْ یَمْلِکْهُ احَدٌ.

(علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۳۹)

راوی گوید:به امام باقر علیه السلام عرض کردم:چرا کعبه را «بیت‌العتیق» نامیده‌اند؟- یعنی خانه آزاد- فرمود: چونکه کعبه، خانه‌ای آزاد و رها شده از ملکیّت مردم است و احدی مالک آن نیست.

ص:۱۵

بیت‌العتیق، چون آزاد از سلطه بندگان است، امّتی را هم که آن را قبله‌گاه خویش قرار دهند، به حریّت و آزادی می‌رساند.

اساس توحید، بر پایه آزادگی است، آنکه خدای یکتا را بپرستد و گردن به بندگی و عبودیّت او نهد، از بردگیها و ذلّتها در برابر انسانهای دیگر رها می‌شود. این آزادیبخشی اساس فلسفه بعثت انبیای الهی بوده است. ابراهیم بت شکن و نمرود ستیز، کعبه را تجدید بنا کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دین نجات بخش خود را که مبتنی بر شعار «لااله الّااللّه» بود، از کنار همین خانه اعلام کرد.

امروز هم مظهر وحدت، صلابت و قدرت مسلمین در طواف پیرامون این کعبه مقدّس است.

کعبه، از آنِ همه مسلمانان است و هیچ کس و هیچ قدرت و نظامی حقّ سیطره یافتنِ انحصاری بر این خانه را ندارد و نمی‌تواند کعبه را در زنجیر کند.

درس کعبه هم برای طواف و سعی کنندگان و حج‌گزارانِ امّتِ محمدی، همان حریّت و آزادگی از قید و بند بردگیهای جدید نسبت به نظامهای سلطه‌گر است. این، همان «حجّ ابراهیمی» است که امام امت «قدّس سره» منادی آن بود.

ص:۱۶

حج، بازار آخرت

قال الصادق علیه السلام:

الحَجُّ والْعُمْرَةُ سُوقانِ مِن اسْواقِ الآخِرَةِ والعامِلٌ بِهِما فی جَوارِ اللَّهِ انْ ادْرَکَ ما یَأمُلُ غَفَرَاللَّهُ لَهُ وَانْ قَصُرَ بِهِ اجَلُهُ وَقَعَ اجْرُهُ عَلَی اللَّهِ.

(فروع کافی، ج ۴، ص ۲۶۰)

امام صادق علیه السلام فرمود:

حج و عمره، دو بازار از بازارهای آخرت است و کسی که به این دو عمل اقدام کند، در جوار و پناه خداست. اگر آنچه را آرزو دارد (رسیدن به زیارت خانه خدا) دریابد، خداوند او را می‌آمرزد و اگر اجل دست او را کوتاه کرد، پاداش او بر خداست.

ص:۱۷

نه تنها حج و عمره، بلکه کلّ زندگی دنیایی بازاری است که عدّه‌ای موفّق می‌شوند در این بازار به تجارتِ آخرت بپردازند و سودهای فراوان اخروی به دست آورند، عدّه‌ای نیز سرمایه عمر و نیروی جوانی و امکانات خویش را صرف لذّتهای زودگذر می‌کنند و از بهره آخرت محروم می‌مانند. زیارت خانه خدا و مرقد حضرت رسول «ص» نیز از اینگونه فرصتها و بازارهای آخرتی است.

آنان که در این راه تلاش می‌کنند، در پناه خدایند و سایه لطف الهی بر سر آنان است، خواه به زیارت نائل آیند، خواه مرگشان فرا رسد و مهلت زیارت نیابند. زائران «مغفور» ند و ناکامان «مأجور».

خوشا آنانکه شوق این سفر را در سر و در دل دارند و از فرصتهای مغتنمِ حضور در «مکّه» و «مدینه» حدّ اکثر بهره را می‌برند.

و ... دریغ بر آنانکه از این بازارهای پر منفعت، دست خالی برمی‌گردند، بی‌آنکه به مغفرت، توبه، تغییر حال و ثواب نائل آیند.

ص:۱۸

سهل انگاری در حج

عَن ابی عبداللَّه علیه السلام قال:

اذا قَدُرَ الرَّجُلُ عَلَی الحَجِّ فَلَمْ یَحُجَّ فَقَدْ تَرَکَ شَریعَهً مِنْ شَرائِعِ الْاسْلامِ.

(وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۸)

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود:

هر گاه کسی توانایی بر حج داشته باشد و از روی سهل انگاری، حج به جا نیاورد، شریعت و آیینی را از آیین‌های اسلام، ترک کرده است.

ص:۱۹

وسوسه شیطان هیچ کس را رها نمی کند، حتی کسی را که استطاعتِ مالی و بدنی حج دارد، او را به امروز و فردا می کشاند.

قـدرت و تمکّن، مـوهبت الهی است و «حـق‌اللَّه» را بر گردن انسـان می‌آورد، زکـاتِ تـوانگری، پرداختِ حقـوق الهی و حقوق مردم است.

آنکه تهیدست و ناتوان است، تکلیفی هم ندارد.

امّا ثروتمندان سالم و توانمند، اگر از ادای فریضه حج شانه خالی کنند و با سهل‌انگاری و مسامحه با این وظیفه برخورد کنند، نسبت به شرایع دین و دستورالعملهای مکتب، بی‌اعتنایی کرده‌اند و چه گناهی بالاتر از ترک یک فریضه دینی مانند زیارت خانه خدا؟!

کسـی که از صـرف کردن مال و فرصت در راه خـدا سـرباز زنـد، گرفتار بلاهایی می‌شود که چند برابر بیشتر را خرج راههای دیگر می کند و برکت از مال و عمرش گرفته می‌شود. در حالی که خداوند، وعده فرموده که خرجهای در راه حج را جبران کند. دست و دل‌بازی در راه مخارج این سفر مقدّس نیز، در روایات متعددی مطلوب و پسندیده به شمار آمده است.

ص:۲۰

الزام به حج

قالَ الصّادقُ علیه السلام:

لَوْ انَّ النّاسَ تَرَکُوا الْحَجَّ لَکانَ عَلَی الْوالی انْ یُجْبِرَهُمْ عَلی دلِکَ وعَلَی المُقام عِنْدَهُ وَلَوتَرَکُوا زِیارَةَ النَّبیِّ صلی الله علیه و آله لَکانَ عَلَی الْوالی انْ یُجْبِرَهُمْ عَلی ذلِکَ وَعَلَی الْمُقامِ عِنْدَهُ، فَانْ لَمْ یَکُنْ لَهُمْ مالٌ انْفَقَ عَلَیْهِم مِنْ بَیْتِ مالِ الْمُسلِمینَ.

(من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۲۰)

امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر مردم رفتن به‌حج راترک کنند، بر حاکم اسلامی است که آنان را بر این کار و بر حضور در کنار خانه خدا وادار کند واگر زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله را هم‌ترک کنند، بر حاکم اسلامی است که آنان را به زیارت قبر پیامبر و بودن در کنار مرقد نبی وادارد.

پس اگر مردم (برای این زیارت) ثروتی هم نداشته باشند، حاکم اسلامی از بیت‌المال مسلمانان، خرج آنها را بدهد.

ص:۲۱

زیارت خانه خدا و حضور در کنار مزار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مهمترین شعائر دین است که حیات و قوام مکتب و شکوه اسلام و عزّت مسلمین به آن بستگی دارد.

از این رو، خداوند ادای این زیارت را واجب ساخته است.

اگر مسلمانان از روی بی‌اعتنایی به کعبه و حرم پیامبر، ترک زیارت کنند، به مقتضای روایات، عقوبت الهی دامنگیرشان خواهد شد.

برای حفظ شکوه دین، ولیّ امر مسلمین وظیفه دارد در صورتِ ترک این عبادتگاهها و خلوت شدن خانه خدا و حرم پیامبر، جمعی را با هزینه بیت‌المال به این سفر اعزام کند، تا آثار و برکات اجتماعی و سیاسی این فریضه، از دست نرود.

این کار، یکی از مصداقهای «تعظیم شعائر» است که در قرآن کریم آمده است.

ص:۲۲

مهمان معنویّت

قالَ الصادق علیه السلام:

انَّ ضَیْفَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَجُلٌ حَجَّ وَاعْتَمَرَ، فَهُوَ ضَیْفُ اللَّهِ حَتّی یَرْجِعَ الی مَنْزِلِهِ.

(خصال، ج ۵، ص ۲۴)

امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا میهمان خدا، مردی است که حج و عمره به جای آورد، چنین کسی مهمان خداوند است، تا آنکه به خانه‌اش بازگردد.

ص:۲۳

تا صاحبخانه، مهمان را دوست نداشته باشد، دعوتش نمی کند.

وقتی هم مهمـان، به دعوتِ میزبـان لبّیک گفت و ادب و معرفت نشان داد، صاحب خانه هم با کرم و بزرگواری، مهمان را پـذیرایی می کند.

نیـاز مهمان خـدا به کرم و رحمت آن مهربانِ بنـده‌نواز است و در غربتِ دور از خانه و وطن، با پروردگارش انس می گیرد و بر سـر سفره نعمتهای معنوی او نشسته است.

آنکه بر ضیافت الهی وارد می‌شود، نه شکمی گرسنه، بلکه جانی مشتاق و دستانی نیازمند به رحمت مولا دارد.

پذیرایی خداوند هم نه آب و نان، بلکه مغفرت و آمرزش است.

از ما خواستن و از خدا اجابت کردن.

از ما عرضه نیاز و از خداوند، تأمین نیاز و برآوردن حاجات.

سفر حج، سفر عبودیّت و بندگی است، نه تفریح و سیاحت، دعوت کننده هم کریم و بزرگوار و مهربان است.

گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحبخانه چیست؟ ...

ص:۲۴

پاکی نیّت

قال الصادق علیه السلام:

اذا ارَدْتَ الحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَکَ لِلَّهِ مِنْ قَبْلِ عَزْمِکَ مِنْ کُلِّ شاغِلٍ وَحِجابِ کُلِّ حِجابٍ وَفَوِّضْ امورَکَ کُلَّها الی خالِقِکَ و تَوَکَّلْ عَلَیْهِ فی جَمیعِ مایَظْهَرُ مِنْ حَرَکاتِکَ وَسَکَناتِکَ.

(بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۴)

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه تصمیم به حج داشتی، پیش از آهنگ سفر، قلب خود را از هر چه که مشغول سازد یا حجاب باشد، پاک و مجرّد کن و همه کارهایت را به آفریدگارت بسپار و در همه حرکات و سکنات، بر خدا تکیه و توکّل کن.

ص:۲۵

این نمونه‌ای از «ادب باطنی» حج است.

وقتی حجّ، حضور در میقات پروردگار و شرکت در ضیافت الهی است،

وقتی احرام بستن و به زیارت و طواف خانه خدا رفتن، لبیک گویی به ندای دعوتِ ابراهیم علیه السلام است،

پس، حاجی هم باید به تناسب مقام و موقعیت، خود را مهیای این دیدار و «بار عام» سازد.

با دلی پاک از هر آلایش،

با نیّتی خدایی و دور از هر نوع خودنمایی،

با رفتاری متین و خداپسند،

با ادب و متانتی شایسته زائر خانه خدا و حرم رسول،

با توجهی خاص به پروردگار،

با قلبی سرشار از اخلاص و وقار، ... خود را مهیای این شرفیابی به محضر مولا کند و فرصت را غنیمت شمارد.

از کجا که این سفر، بار دیگر برایش فراهم گردد؟ ...

از کجا؟

ص:۲۶

انواع حج و حجّاج

قال رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله:

يَأتى عَلىَ النّاسِ زَمانٌ يَكونُ فيهِ حَجُّ الْمُلوكِ نُزْهَةً وَحَجُّ الْأغنياءِ تِجارَةً وَحَجُّ الْمَساكينِ مَسألةً.

(تهذیب، ج ۵، ص ۴۶۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

روزگاری بر مردم می‌آیـد که در آن زمان، حـج زمامـداران برای تفریـح است، حـج ثروتمنـدان برای تجارت و حج محرومان برای درخواست!

ص:۲۷

بسیاری از اعمال و عبادات اسلامی، اگر مورد غفلت قرار گیرد، روح اصلی خود را از دست می‌دهد و به چیز دیگری با انگیزه‌ها و آثار نامطلوب، تبدیل می گردد.

«حج» هم یکی از این نمونه‌هاست.

شرکت در مراسم حج، در اصل، پاسخگویی به ندای حضرت ابراهیم برای زیارت خانه پروردگار است، تا از این رهگذر، عقیده و ایمان ریشه‌دارتر و اعمال و روحیاتِ زائر، خالصتر گردد. بنابراین، آمیختن این عبادت به نیّتها و اهداف دیگر، بیرون رفتن از مرز عبادت مطلوب است.

امروز که وسایل سفر فراهم‌تر و مسافرتهای دور و دراز آسانتر است و تمکّن مالی اشخاص هم بیشتر شده است، نیاز به توجّه بیشتری است که «حج»، روح اصلی خود را از دست ندهد و حاجی نه به قصد سیاحت و تجارت، بلکه با انگیزه انجام خالصترین عبادتِ توحیدی به این سفر آید.

پیشگویی حضرت رسول صلی الله علیه و آله هشداری برای آنان است که با خود، ارز اضافی می‌آورند، نه به قصد تهیّه سوغات، بلکه برای خرید اجناسی که بتوانند در کشور خود بفروشند و پولی به دست آورند. حیف از این سفر و دریغ از فرصتهای گذرا و مغتنم حاجی که صرف پرسه زدن در بازارها و قیمت کردن اجناس شود! ... حیف!

ص:۲۸

درس احرام

قال الرضا علیه السلام:

انَّما یُؤْمَرُوا بِالْاحْرامِ لِیَخْشَعُوا قَبْلَ دُخُولِهِم حَرَمَ اللَّهِ وَامْنِهِ وَلِئَلّا یَلْهُوا وَیَشْتَغِلُوا بِشَیءٍ مِنْ امورِ الدّنیا وَزینَتِها وَلذّاتِها وَیَکوُنوا جادّینَ فیما هُم فیهِ قاصِدینَ نَحْوَهُ، مُقْبِلینَ عَلَیهِ بِکُلّیَتِهِمْ.

(وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳)

امام رضا علیه السلام فرمود:

مردم به «احرام» مأمورنـد، تا آنکه پیش از ورود به حرم امن خـدا «خشوع» پیـدا کنند و در پی بازیچه و مشـغولیات دیگر از کارهای دنیا و زیورها و لذّتهای آن نروند و با تمام وجود و همه توجّه، به کاری بپردازند که به خاطر آن آمده و روی آورده‌اند.

ص:۲۹

احرام، که با پوشیدن دو قطعه پارچه دوخته نشده و ساده انجام می گیرد، حاجی را از همه تعلّقات و تشریفات و دلبستگیهای دنیوی می‌رهاند و دلها را خاشع و روحها را آماده پذیرش جذبه‌های معنوی حج می کند.

فلسفه اصلی حج، پرداختن به خدا و گسستن از مادیّات است. برنامه‌های حج، زمینه‌ساز چنین توجه‌هاست. اگر بنا باشد در این ایّام هم حاجی در پی جلوه‌ها و زر و زیور زندگی و کامجوییها و لذّت خواهیهای دنیوی باشد، از فلسفه اصلی حج دور شده است.

(ای یکدله صد دله، دل یکدله کن) ... آنکه در اینجا همه وجود و حواس و عنایت خویش را صرف معنویّات نکند، بهره چندانی نخواهد برد. زائران خانه خدا باید مواظب روحیات و حالاتِ قلبی خویش باشند، که این فرصتهای نورانی بسیار مغتنم و کمیاب است. خیلی‌ها سالها در حسرتِ آمدن به حج و تشرّف به زیارت این سرزمین مقدّسند، امّا محرومند، آنکه فعلًا این توفیق را یافته است، حیف است که فکرش در پی چیزهای دیگر باشد.

احرام، سرآغاز ورود به حرم الهی است. کسی که وارد حرم می‌شود، باید مُحرم باشد. مُحرِم شدن، زمینه مَحرم شدن است. احرام، حاجی را وارد حریمی می کند که سراسر نور و معنویّت است.

ص:۳۰

«سعی» و تواضع

قال الصادق علیه السلام:

ما مِنْ بُقعَةٍ احَبُّ الَی اللَّهِ تعالی مِنَ المَسْعی لِأَنَّهُ یَذِلُّ فیهِ کُلُّ جَبّارٍ.

(بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۴۵)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

نزد خدای متعال، هیچ بقعه و سرزمینی محبوبتر از مَسعی نیست، چرا که در آنجا هر جبّار و گردنکشی خوار می‌شود.

ص:۳۱

یکی از مهمترین درسهای حج، ایجاد روحیه تواضع و فروتنی است، تا گرفتارانِ غرور و تکبّر را به عجز و نیاز و کوچکی خویش واقف سازد و زمینه‌های «عبودیّت» و «اطاعت» را بیدار کند.

«سعی» میان صفا و مروه و پیمودن فاصله این دو کوه و یاد کردن از تلاش و مجاهدت «هاجر» در راه آب یافتن برای «اسماعیل»، حاجی را در پیشگاه اخلاص و عشق «آل ابراهیم» به تواضع وا می‌دارد، بویژه هَروَله و دویدن در محدوده خاصّی از این مسافت.

در این سفر، همه تعلّقات و تشخّصها باید کنار گذاشته شود و حاجی، هر که و از هر کجا و هر نژاد که باشد، باید هَروَله کنان این مسافت را پیموده، بندگی و فرمانبرداری خویش را نشان دهد. اینجا تنها خداست که بزرگ است، «اللّه اکبر»، و تنها فرمان اوست که اجرا می‌شود «وَلهُ الحکم».

حتی دانشمندان، فرماندهان، ثروتمندان و صاحب منصبان هم دوشادوش سیاه و سفید و فقیر و غنی، با جامه‌ای ساده به نام «احرام» بر دوش، نام خدا بر لب و نیّت بندگی در دل، لبّیک گویان به فرمان خدا، این راه را می‌پیمایند. اینجاست که‌تکبّرها وجبروتهای پوچ جبّاران فرو می‌ریزد وشکوفه‌های‌خضوع و تسلیم به جای آنها می‌روید.

ص:۳۲

درس عبودیّت

قال الصادق علیه السلام:

... وَهـذا بَيْتٌ اسْتَعْبَدَ اللَّهُ بِهِ خَلقَهُ لِيَخْتَبِرَ طاعَتَهُمْ فى اتْيانِهِ فَحَثَّهُمْ عَلى تَعظيمِهِ وَ زِيارَتِهِ وَقَدْ جَعَلَهُ مَحَلَّ الأنبياءِ وَقِبْلةً لِلْمُصَلّينَ لَهُ فَهُوَ شُعْبَةٌ مِنْ رِضْوانِهِ وَطَريقٌ تُؤَدّى الى غُفْرانِهِ.

(بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۹)

امام صادق علیه السلام فرمود:

... و این خانه‌ای است که به وسیله آن، خداوند بندگانش را به پرستش فراخوانده، تا در آمدن به سوی آن، میزان «اطاعت» آنان را بیازماید. از این رو بندگان را به بزرگداشت و زیارت آن تشویق کرده و آنجا را جایگاه انبیا قرار داده و برای نمازگزاران، «قبله» ساخته است. پس این حج، شعبه‌ای از رضوان الهی و راهی به سوی مغفرت اوست.

ص:۳۳

ادّعای «ایمان»، جز با «عمل و طاعت» به ثبوت نمی‌رسد و تا فرمان در کار نباشد، میزان فرمانبرداری بندگان روشن نمی گردد.

حج که نوعی هجرت از خانه و زندگی و ثروت و تعلّقات در راه اجرای فرمان است، محکی و آزمونی برای اخلاص و تعبّد بندگان است، تا روشن گردد چه کسانی مطیعند و جان مشتاق و گام خسته خود را به این سرزمین و این مشاعر و مواقف می‌آورند.

همه پیامبران، در این دیار فرود آمده‌اند. آنان که بنده‌تر و مطیعتر بوده‌اند، در حج و زیارت، اسوه دیگرانند. امّتها نیز در اقتدا به رسولان الهی به این سفر می‌آیند و رنج مقدّس زیارت را به جان می‌خرند.

به علاوه، کعبه قبله مسلمین است، روی به آن دارند و به سوی آن عمری نماز می گزارند. چه لذّتی بالاتر از حضور در میعادگاه و قبله وحدت؟!

اگر راهی به سوی رضایت و خشنودی الهی است و اگر مسیری ما را به مقصدِ «غفران» می‌رساند، همین راه و اعمال است، اگر درست و با اخلاص پیموده شود.

ص:۳۴

فوت در حرمین

قالَ رسولُ اللَّه صلی الله علیه و آله:

مَنْ ماتَ فی احَدِ الْحَرَمَیْنِ مَکَّهَ وَالْمَدینَهِ لَمْ یُعْرَضْ وَلَمْ یُحاسَبْ وَماتَ مُهاجِراً الَی اللَّهِ عزَّوَجلّ وَحُشِرَ یَوْمَ الْقیامَهِ مَعَ اصْحابِ بَدْرٍ.

(من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۶۵)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) از دنیا رود، در روز قیامت برای عرضه اعمال و محاسبه حاضرش نمی‌کنند و مگر او مهاجرت به سوی خداوند محسوب می‌شود و در قیامت هم با اصحاب (و شهدای) بدر محشور می گردد.

ص:۳۵

حرم الهی و حرم پیامبر، دو مکان مقدّسند و به خاک سپرده شدن در تربت پاکِ این دو حرم، افتخار و عزّت است. چه بسا کسانی آخر عمرشان را مقیم مکّه یا مجاور مدینه می‌شدند که در این دو شهر از دنیا بروند و از رحمت الهی برخوردار گردند.

حاجی، برای زیارت خانه خدا و مرقد رسول اللّه به سفر حج می‌رود. اگر در اثر بیماری یا حادثه‌ای در یکی از این دو شهر از دنیا برود، مشمول لطف ویژه الهی خواهد بود.

و ... چه رحمتی بالاتر از اینکه از محاسبه روز قیامت، بآسانی و سهولت بگذرد و هجرت کننده به سوی خدا به حساب آید؟!

بر انگیخته شدن با شهدای بدر نیز، فضیلت بسیار والایی است که برای چنین زائرانی مقدّر می‌شود.

آنکه در یکی از این دو حرم فوت می‌کند و در قبرستان ابوطالب یا بقیع به خاک سپرده می‌شود، هر چند بخاطر غربت و دوری از وطن، برای بستگانش اندوهبار است، ولی چون در جوار اولیای خداست، تسلّی بخش داغدیدگان است.

ص:۳۶

آداب همسفری

قال الصادق علیه السلام:

وَطِّنْ نَفْسَکَ عَلی حُسْنِ الصَّحابَهِٔ لِمَنْ صَحِبْتَ فی حُسْنِ خُلقِکَ وکُفَّ لِسانَکَ وَاکْظِمْ غَیْظَکَ وَاقِلَّ لَغْوَکَ وَتَفَرَّشْ عَفْوَکَ وَ تَسْخُو نَفسُکَ.

(فروع کافی، ج ۴، ص ۲۸۶)

امام صادق علیه السلام فرمود:

خودت را آماده کن تا با همراهان و همسفرانت، معاشرت نیکو داشته باشی، در خوشرفتاری‌ات، و زبان خویش را نگهدار و خشم خود را فرو ببر و سخنان بیهوده را کم کن و عفو و گذشت خویش را بگستران و از خود بگذر.

ص:۳۷

در هر زندگی گروهی و اجتماعی به ایثار و گذشت نیاز است تا آن جمع، از همراهی خود لذّت ببرند. وگرنه، خواسته‌ها و تمایلات افراد متفاوت است و هر کس اخلاق و روحیّه خاصّی دارد و اگر همه بخواهند اوضاع طبق خواسته‌های شخصی آنان باشد، اختلاف پدید خواهد آمد.

از این رو، اگر زبانها و خشمها کنترل شود و حسن خلق و گذشت و ایثار، حاکم گردد، هم جلوی اختلافها گرفته می‌شود و هم بگومگوهای موجود، پایان می گیرد.

مثلًا در تقسیم غذا و میوه، در روشن و خاموش بودن چراغ و پنکه و کولر، در زود یا دیر خوابیدن، در ایجاد سر و صدا یا مراعات سکوت و رعایت حال دیگران و انتخاب جا برای نشستن و خوابیدن و امثال اینگونه امور، آنچه یک جمع زائر به آن نیازمندند، «حسن خلق» و «حسن مصاحبت و معاشرت» است.

بسیاری از حرفها را نباید گفت، جلوی عصبانیّتها را باید گرفت و از جرّ و بحثهای بی‌مورد، آن هم بر سر مسائل جزیی و بی‌اهمیّت باید جلوگیری کرد. گرامیترین و عزیزترین افراد نزد خداوند، کسی است که برای مردم سودمندتر باشد و بیشتر بتواند گِره از کار آنان بگشاید و خدمتگزار حجّاج باشد نه اسباب زحمت. به قول معروف:

«یار شاطِر» باشد، نه «بار خاطر».

ص:۳۸

ادب حجّ

قال الباقر علیه السلام:

ما یُعْبَؤُ بِمَنْ یَؤُمُّ هذا الْبَیْتَ اذا لَمْ یَکُنْ فیهِ ثَلاثُ خِصالٍ:وَرَعٌ یَحْجُزُهُ عَنْ مَعاصِی اللّهِ وَحِلمٌ یَمْلِکُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الصَّحابَهِٔ لِمَنْ صَحِبَهُ.

(بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۱)

امام محمدباقر علیه السلام فرمود:

چه سودی برای کسی که آهنگ زیارت این خانه کند، اگر در او این سه خصلت نباشد؟:

یکی تقوا و ورعی که او را از گناهان باز دارد،

یکی حلم وبردباری که به وسیله آن خشم خود را مهار کند،

و یکی هم حُسن معاشرت و خوشرفتاری با همراهان و همسفران.

ص:۳۹

در سفری به قداست و معنویتِ حج، روا نیست که زائران معبد عشق و مرقد معشوق، ادب زیارت را مراعات نکنند. حج، برای تربیت اخلاق و سازندگی زائر است.

حاجی باید سرتاپا پرهیزکاری و بردباری و خوشرفتاری باشد.

اگر جز این باشد، از این سفر چه سود؟ پذیرفتنی نیست که در جوار خانه خدا و حرم رسول، بازهم زائر محترم اندیشه‌های خلاف در سر بپروراند و بی‌تقوایی و ناپرهیزی نسبت به گناه از خود نشان دهد. «ورع»، یک نیروی خدا ترسی درونی است که دست و زبان و چشم و گوش را از معصیت و حرام، باز می‌دارد.

از آنجا که در طول سفر، زائر با دیگران همزیستی دارد و در یک مجموعه زیست می‌کند، شایسته است از عصبانیّتهای بیجا و تندخویی و بدزبانی و خشم بپرهیزد و تا آنجا که می‌تواند، نسبت به همسفران که همه مهمان خدایند، «حُسن معاشرت» و «اخلاق نیکو» داشته باشد، از لغزشها بگذرد، جدال نکند، کینه به دل نگیرد. معاشرتِ خوب و اخلاق حسنه، سنّت پیامبر و یادگار آن حضرت است و چه کسی شایسته‌تر از «حاجی» که در رفتار و سلوک، به آن حضرت اقتدا کند؟!

ص: ۴۰

ضیافتخانه الهی

قال الامام زین‌العابدین علیه السلام:

حَقُّ الحَجِّ انْ تَعْلَمَ انَّهُ وَفادَةٌ الی ربِّکَ وَفِرارٌ الَیْهِ مِنْ ذُنوبِکَ وَبِهِ قَبُولُ تَوْبَتِکَ وَقَضاءُ الفَرْضِ الّذی اوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَیکَ.

(بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۴)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

حق حج آن است که بدانی ورود به آستان لطف پروردگار توست و فرار از گناهان به سوی خداست و توبه تو با حج پذیرفته می‌شود و ادای فریضه‌ای است که خداوند بر تو واجب ساخته است.

ص:۴۱

هر مهمانی، آداب و مراسمی دارد و پذیرایی خاصّ.

در سفر روحانی حج، زائر اگر هم باری سنگین از گناهان دارد، ولی به مهمانی خدای مهربانی می‌رود که آمرزنده گناهان است و وعده فرموده که در این مناسک و مشاعر، سایه رحمتش را بر سر بندگان بگسترد و آنان را از گناهان پاک کند.

هر فریضه و حکمی، حقّی به گردن مسلمان دارد. حق حج بر حاجی نیز این است که شأن و مرتبه این عبادت را بشناسد و با قلبی امیدوار به لطف حق، قدم در راه زیارت بگذارد. حجّ، ادای تکلیفی الهی است که از ویژگیهای «امّت محمّدی» قرار داده شده است. آنکه به این سفر می‌آید، باید سوغات سفرش آمرزش گناهان و پاکی دل و جان باشد. در این صورت است که حج او «مقبول» به شمار می‌آید.

ص:۴۲

نماز در مسجدالحرام

عن ابی عبداللَّه عن آبائه علیهم السلام:

الصّلاةُ فِی الْمَسْجِدِ الحَرامِ تَعْدِلُ مِأَةَ الْفَ صَلاةً.

(فروع کافی، ج ۴، ص ۵۲۶)

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش فرمود:

نماز در مسجدالحرام، با صد هزار نماز (در جای دیگر) برابر است.

ص:۴۳

گاهی مکان و زمان، در بازدهی و ثمره یک عمل تأثیر دارد و در عبادات، ثواب آنها را افزون می‌سازد.

یکی از مکانهای مقدّس، مسجدالحرام است که کعبه، قبله مسلمین و خانه توحید که ابراهیم آن را به فرمان خدا برپا کرده است، در آن قرار دارد. حتّی نظر کردن به کعبه و نشستن در مسجدالحرام و تنفّس در فضای معنوی و ملکوتی خانه خدا، ثواب دارد.

ولی آنانکه هوشیارترند، به نشستن و نگاه کردن اکتفا نمی‌کنند و به بهترین کاری که در مسجدالحرام می‌توان پرداخت (قرائت قرآن و نماز خواندن) مشغول می‌شوند.

یک رکعت نماز، برابر با صد هزار رکعت!

چه پاداشهای کریمانه‌ای که خداوند، به زائران بیت‌اللّه‌الحرام می‌دهد! راستی آنان که از این سفر محرومند، از این ثوابهای سرشار هم بی‌بهره‌اند. حاجی باید هزار بار شکر کند که توفیق تشرّف به جایی را یافته است که فضیلت و ثواب، سیل آسا در آن سرشار است.

لحظات را مغتنم شمارید و تا می‌توانید برای خودتان، اموات و ذوی‌الحقوق و دوستان و استادان و ملتمسین دعا نماز بخوانید و آنان را در ثواب عبادتهایتان شریک سازید.

ص:۴۴

طواف یا نماز؟

قال الصادق علیه السلام:

انَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَتعالی جَعَلَ حَوْلَ الْکَعْبَةِ عِشْرینَ وَمِأةَ رَحمْةً، سِتُّونَ لِلطّائِفینَ وَارْبَعُونَ لِلْمُصَلّینَ وَعِشْرُونَ لِلنّاظِرینَ.

(وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۹۶)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

خداونـد متعـال، پیرامون کعبه صـد و بیست رحمت قرار داده است. شـصت رحمت برای طواف کننـدگان است، چهل رحمت برای نمازگزاران و بیست رحمت برای نگاه کنندگان (به کعبه).

ص:۴۵

بهترین عمل در مسجدالحرام چیست؟

آنان که می‌کوشند از فرصتها و موقعیّتهای بیشترین بهره را ببرند، در پی یافتن بافضیلت‌ترین کارها در ایام حجّند.

تشرّف به حرم خدا، همچون به آب رسیدنِ یک ماهی است و مؤمن، شناگر دریای رحمت و ثواب الهی است.

سزاوار نیست که اوقات حضور در مسجدالحرام و جوار کعبه، به غفلت و بیهودگی یا به گفتگوهای بی‌ثمر با آشنایان و به حرف و تماشای مردم بگذرد.

طبق این حدیث، برترین عمل که درصد بیشتری از رحمت الهی را جذب می‌کند، انجام طواف بر گرد خانه خداست. نماز خواندن در درجه بعد قرار دارد.

و اگر کسی حال طواف یا نماز را ندارد، حدّاقل گوشه‌ای و کناری نشسته به کعبه بنگرد، که نگاه به کعبه هم عبادت است.

حیف است که این فرصتهای کمیاب و گرانبها رایگان از دست رود.

مؤمن، همه جا زرنگ است، حتّی در میدان معنویات و صحنه ثوابهای پروردگار.

ص:۴۶

امام زمان «ع» در موسم حج

امام‌زمان «ع» درموسم‌حج

قال الصادق علیه السلام:

یَفْقِدُ النّاسُ امامَهُم فَیَشْهَدُهُمُ الْموسِمَ فَیَراهُمْ وَلایَرَوْنَهُ.

(بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم، امام خویش را از دست می‌دهند (و در زمان غیبت) امام در موسم حج حضور پیدا می کند و مردم را می‌بیند، امّا آنان او را نمی‌بینند.

ص:۴۷

عصر غیبت، عصر آزمایش مردم و سنجش ایمانهاست.

فلسفه‌غیبت‌امام علیه السلام زمینه سازی برای بالا رفتن ایمانها و شناخت امام و نقش او در هستی و هدایت مردم است. در دورانی که مردم گرفتار جهل و دنیاگرایی و سلطه حکومتهای جائر شدند، امامان یکایک مظلومانه به شهادت رسیدند.

خداوند، حجّت دوازدهم را ذخیره نگهداشت و مردم را به هجران و غیبت مبتلا ساخت، تا روزی به خواست خداوند ظهور کند و جهان را با فروغ عدالت روشن سازد.

طبق احادیث متعدّد، آن حضرت در ایّام حج، در موسم این عبادت حضور می‌یابد و در جمعِ مردم و زائران خانه خداست و مردم را می‌بیند، امّا مردم توفیق دیدار او را ندارند، یا می‌بینند ولی نمی‌شناسند.

البته کسانی هم هستند که چه در موسم حج و در حال طواف یا وقوف به عرفات و ... یا در اوقات و جاهای دیگر به دیدار آن «خورشید» پنهان توفیق می‌یابند. امّا باید دانست که این زیارت عظیم، لیاقت و پاکی و تقوا می‌خواهد. کسانی روز و شب در انتظار دیدار او عاشقانه می‌سوزند. امّا اگر دلی پاک باشد و مؤمنی زندگیِ خدا پسند داشته باشد، به این توفیق، دست خواهد یافت.

حضرت مهدی علیه السلام محور عالم و نور هستی و قلب عالم امکان است و ظهورش تحقّق بخشِ وعده الهی در حاکمیت مطلق حق بر سراسر عالم است.

ص:۴۸

گسترش فرهنگ اهل بیت «ع»

گسترش فرهنگ اهل بیت

قال الرضا علیه السلام:

... فَانْ قالَ:فَلِمَ امِرَ بِالحَجِّ؟ قیلَ:لِعِلَّةِ الوَفادَةِ وطَلَبِ الزّیادةِ ... مَعَ ما فیهِ مِنَ التَّفقُّهِ و نَقْلِ اخبارِ الأئمَّةِ الی کُلِّ صُقْعٍ وناحِیَةٍ.

(میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۶۷)

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

اگر کسی گوید:چرا به حج فرمان داده شده است؟ در پاسخ گفته می‌شود:به علّت آنکه مردم به آستان فیض الهی وارد شوند و مهمان او گردند و از او افزایش خواهند ... بعلاوه که در این حج، دین شناسی و نقل سخنان و اخبار ائمّه اهل بیت علیهم السلام به هر منطقه و ناحیه است ...

ص:۴۹

غیر از آثار و برکات مادّی سفر حج، بار محتوایی و فرهنگی آن نیز قابل ملاحظه است. زائران در این سفر، با فرهنگ دین و معارف اهل بیت بیشتر آشنا می‌شوند و کلمات نورانی معصومین علیهم السلام را فرا گرفته، به همه سوی می‌برند و می‌رسانند.

این حدیث، گویای دورانی سخت و خفقان‌بار است که بر امامان گذشته است. در دوره‌هایی بسیار، حکومت و قدرت تبلیغی و پایگاههای فرهنگی همه در اختیار جناحی بوده است که به چشمه زلال و اصیل دین (یعنی ائمّه و اهل بیت) توجّهی نداشتند. فرصت زیارتی حج، زمینه‌ای بوده تا مردمی که از اقصی نقاط جهان اسلام به دیدار خانه خدا و حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌آمدند، با کلمات و فقه و معارف و آموزشهای خاندان رسالت آشنا شوند و در بازگشت به وطن خویش، تعالیم اهل بیت را همچون سوغاتی ارزشمند، به آن دیار منتقل سازند.

این فلسفه و علت، امروز هم دایر و جاری است. هنوز هم جهان معاصر، با همه ارتباطات، فرهنگ ناب اهل بیت عصمت را آنگونه که باید و شاید، نمی‌شناسد.

حج، فرصتی مناسب برای نشر مرام و مکتب اولیای الهی است، تا جهان اسلام، هر چه بهتر با این فرهنگ حیاتبخش آشنا شوند و فروغ و جلوه دین را در سیمای خاندان عصمت بنگرند.

ص:۵۰

آمرزش در عرفات

قالَ رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله:

مَنْ وافی بِعَرَفَهَ فَسَلِمَ مِنْ ثَلاثٍ:اذُنُهُ لاتَسْمَعُ الّا الی حَقٍّ وَعَیْناهُ انْ تُنْظُرَ الّا الی حَلالٍ وَلِسانُهُ انْ یَنْطِقَ الّا بِحَقٍّ غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَانْ کانَتْ مِثْلَ زَبَدِالْبَحْرِ.

(مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۶۵)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس حضور در عرفات را در روز عرفه دریابد و از این سه چیز خود را رهانده باشد، گناهانش آمرزیده می‌شود، هر چند مثل کف دریا (فراوان) باشد:

یکی آنکه با گوشش جز به حق، به چیزی گوش ندهد،

دوّم آنکه با دو چشمش جز به حلال ننگرد،

و بالأخره با زبانش جز به حق گویا نشود.

ص:۵۱

روز «عرفه»، روز رحمت عالم الهی است و صحرای «عرفات»، وادی مغفرتِ گسترده و بی‌دریغ پروردگار است.

خدای مهربان، بندگانش را دعوت کرده تا آنان را بیامرزد و بر آنان تفضّل کند. امّا بر خورداری از این رحمت واسعه، زمینه لازم دارد.

همچنانکه برای پرکردن یک ظرف از شیر و شربت، پس از تطهیر و شستشوی آن است و هرگز کسی در کاسه آلوده و لیوان کثیف، غذا و شربت گوارا نمی‌ریزد، جام دل هم باید پاک باشد تا رحمت الهی آن را فراگیرد. پاکی دل و جان نیز از مجراهای «چشم» و «گوش» و «زبان» است. قلب، کتابی است که محتوای آن با دیده‌ها، شنیده‌ها و گفته‌ها تدوین می‌شود. اگر کسی بر این سه مسیرِ ورودی قلب، تسلّط نداشته باشد و این مجراها را پاک نسازد، چه انتظاری است که فیض الهی در عرفه او را فرا گیرد؟!

باید پاک شد، تا در دیار پاکی و رحمت، از چشمه فیض ازلی نوشید و سیراب شد.

ص۵۲

حجّ و توبه

قالَ رسولُ اللَّه صلی الله علیه و آله:

مَعاشِرَ النّاسِ! حَجُّوا الْبَیْتَ بِکَمالِ الدّینِ وَالتَّفَقُّهِ ولا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشاهِدِ الّا بِتَوْبَةٍ وَاقْلاعٍ.

(الاحتجاج، ج ۱، ص ۸۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه‌های غدیر، فرمود:

ای گروه مردم! با کمال دین و دین‌شناسی، خانه خدا را زیارت کنید و از مشاهد و زیارتگاهها، جز با توبه و دل کندن (از گناه و بدی) برنگردید.

ص:۵۳

ارزش هر عبادتی به میزان معرفت و شعوری است که در عبادت کننده است.

حج، یکی از عظیمترین و سازنده‌ترین عبادتهاست.

تجدید عهد با خانه توحید و بنیانگذار آن، حضرت ابراهیم بت شکن است. معرفت دینی و آگاهیهای مذهبی یک زائر، میزان بهره‌وری از سفر حجّ را بالا می‌برد. پس زائر باید زیارتش را همراه با معرفت و عرفان انجام دهد.

نتیجه چنین سفر و زیارتی، تهذیب جان و پاکسازی درون از آلودگیهاست. «توبه» به همین معناست و مشاهد شریفه و زیارتگاههای مقدّس، جای مناسبی برای توبه و آغاز زندگی نوینی سرشار از خلوص و بندگی و دور از آلودگیهای گناه و هوس است.

سفارش حضرت رسول این است که حاجی باید سوغاتِ توبه به همراه داشته باشد و دست خالی از حرم الهی به وطن باز نگردد.

ص:۵۴

نشانه حجّ مقبول

قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله:

مِنْ عَلامَةِ قَبولِ الحجِّ اذا رَجَعَ الرَّجُلُ عَمّا کانَ عَلَیْهِ مِنَ المَعاصی، هذا عَلامَةُ قَبُولِ الحَجِّ ...

(الجعفریّات، ص ۶۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

از نشانه‌های قبولی حج آن است که حاجی از گناهانی که قبلًا انجام می‌داده است، دست بردارد. این علامت پذیرفته شدن حج است.

ص:۵۵

کسی که‌بیمار است‌وبه‌درمانگاه و پزشک مراجعه می کند، اگر دستورالعملهای طبیب رامراعات کندوازآنچه باید پرهیز کند وبه‌آنچه بایدعمل کند، نتیجه‌اش بهبودی از مرض است.

اگر بهبود نیافت، یا به دستورها دقیقاً عمل نکرده است، یا نسخه کامل و درست نبوده است.

حج، درمانگاه بیماریهای اخلاقی و روحی است.

حضور در خانه خدایی است که ولی نعمت انسان است و برای تقویت روح عبودیّت و بندگی و انس بیشتر با خدا و معنویات، افراد مستطیع را به ضیافت حج فراخوانده است.

آنکه زحمت سفر را بر خودهموار می کند، پو ل خرج می کند، دوری از خویشاوندان و خانه و زندگی را می‌پذیرد و برای پاک شدن، توبه کردن، عبد شدن و چشیدن طعم شیرین اطاعت و بندگی به حج می‌آید، علی‌القاعده باید حالات روحی و رفتار اجتماعی و عملکرد او تفاوت کند و از تخلّفات و گناهان توبه نماید. اگر چنین کرد و اگر موفق به تغییر در رفتار و اعمال شد، معلوم می‌شود که این برنامه‌های تزکیه و تهذیب در او اثر داشته و روحش از آلودگیها پاک و درمان شده است، و گرنه، رنج سفر کشیده و مال از کف داده و به بهبودی هم نرسیده است.

فلسفه حج، اطاعت از فرمان است. معصیت، نافرمانی است. اگر کسی توانست به برکت این سفر از گناهان دست بشوید و توبه کند، حجّ او قبول است.

ص:۵۶

حج، تولّد جدید

قال الصّادق علیه السلام:

اذا افاضَ الرَّجُلُ مِنْ مِنی وَضَعَ یَدَهُ مَلَکٌ فی کِتْفَیْهِ ثُمّ قال:اسْتَأْنِفْ!

(وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷۳)

امام صادق علیه السلام فرمود:

آنگاه که حاجی (پس از اتمام اعمال) از منا کوچ می‌کند، فرشته‌ای دست بر شانه‌های او می‌گذارد و می‌گوید:

اعمال را از سر بگیر.

ص:۵۷

پاک شدن از گناهان، نتیجه حضور در وادی رحمتِ عرفات و مناست.

رحمت الهی هم فراگیر و گسترده است.

به پایان رساندن صحیح و کامل مناسک و اعمال حج، موجب آمرزش الهی است و نورانیّت حاصل از حاجی شدن، زندگی را دگرگون می‌سازد.

آمرزیده شدن حاجی، او را مانند روز نخستین ولادت می‌سازد؛ پاک و بی‌گناه و بخشوده. نامه اعمالش سفید است و دور از گناه.

باید مواظب باشد تا دوباره، تیرگی معصیت و غفلت، صفحه دل و نامه عمل را نیالاید و صفای باطنی‌اش را از دست ندهد.

این است که به او خطاب می‌شود:کارها و اعمال را از اوّل آغاز کن، چرا که گذشته گناه آلود، محو شده و فصل تازه‌ای آغاز گشته است.

ص:۵۸

حاجی و نور حج

قال الصّادق علیه السلام:

الحاجُّ لایَزالُ عَلَیْهِ نُورُ الحَجِّ مالَمْ یَلُمَّ بِذَنْبٍ.

(فروع کافی، ج ۴، ص ۲۵۵)

امام صادق علیه السلام فرمود:

نور و روشنایی حج همواره بر حاجی باقی است، تا وقتی که دنبال گناه نرفته باشد.

ص:۵۹

فضای معنوی مراسم و مناسك حج، دل و جان را روشن می‌کند و این روشنایی به چهره و سیما نفوذ می‌کند.

از این رو، حاجیِ پاك شده و از عرفات و منا برگشته که طواف و سعی و نماز خویش را به پایان رسانده باشد، نورانیّتی ارزشمند پیدا می‌کند.

این نورانیّت، نور ایمان و پاکی و تقواست و تا وقتی باقی است که آلودگی گناه پیش نیامده باشد. مثل کسی که در نهری شستشو کرده و چرکها را از بدن و چهره خویش زدوده است، سیمای روشن و نظیف او نشانگر این تطهیر و پاکی است و تا زمانی که در معرض گرد و غبار قرار نگیرد و دود وآلودگی به او نرسد، همچنان شفّاف و درخشنده است.

گناه، همچون نقطه تاریکی دل را سیاه می‌کند. سیه‌دلی در وضع ظاهر هم تأثیر می‌گذارد. سیمای متقین با سیمای فاجران متفاوت است.

حیف است که حاجی پاك شده، نورانیّت و معنویّت حجّ را با ارتکاب گناه از دست بدهد و باز هم دل و جانش از نقطه‌های سیاه معاصی تیره و کدر گردد. مهمّ، حفظ و نگهداری آن حالت نورانی و معنوی است. مثل پیروزی که به دست آوردنش آسان است، امّا نگهداریش دشوار.

رسیدن به تهذیب و توبه نیز نوعی پیروزی در جبهه «جهاد نفس» است که باید از آن نگهداری کرد.

ص:۶۰

پاداش حج

قال رسولُ اللَّه صلی الله علیه و آله:

مَنْ حَجَّ هذَا الْبَیْتَ فَلَمْ یَرْفَثْ وَلَمْ یَفْسِقْ خَرَجَ مِنْ ذُنوبِهِ کَیَوْمِ وَلَدَتْهُ امُّهُ، وقالَ:الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَیْسَ لَهُ جَزاءٌ الّا الجَنَّةَ.

(مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که این خانه را حج و زیارت کند و از آن پس در پی گناه نرود و مرتکب فسق نشود، از گناهانش بیرون می‌رود و پاک می‌شود، مثل روزی که از مادر زاده شده است ... حجّ مقبول و پذیرفته، پاداشی جز بهشت ندارد.

ص:۶۱

فطرت پـاک و خـدایی، عطیّـه پروردگـار اسـت. بـه مرور زمـان در اثر هجـوم شـیطان و غلبه نفس امّـاره، آنـان که گرفتـار معصـیت می‌شونـد، آن فطرت الهی را از دست می‌دهنـد و آلوده می‌شوند. توبه، باز هم طهارت اولیّه و فطرت نخستین را احیا می‌کند و آنکه از گناهان توبه کند، همچون کسی است که گناه نکرده باشد.

زائران خانه خدا، این طهارت فطری را با زیارت و انابت و اسـتغاثه و توبه به دست می‌آورند. امّا اگر مواظب نباشـند، باز هم مرتکب فسق می‌شوند و از پوسته و حریم بندگی و اطاعت بیرون می‌روند.

حـجّ، برنامه‌ای برای تجدید آن طهارت روحی و تزکیه اخلاقی است. اگر حاجی مواظب باشد که گناه نکند، مثل روز تولّد از مادر، پاک می‌ماند. البته که پاداش چنین حجّ مقبولی هم «بهشت» است.

خـدای رؤوف، بهشت را جـای صالحـان و خـداترسانِ رسـتگار قرار داده است. حـاجی پس از انجـام مناسک و اتمام حـجّ، در زمره همان صالحانی است که خشیت الهی و فوز و فلاح را دارند، بشرط اینکه این گوهر را از دست ندهند.

ص:۶۲

آثار حجّ

عن السّجاد علیه السلام:

حَجُّوا وَاعْتَمِروُا تَصِّحُ ابْدانُکُمْ وتَتَّسِعُ ارْزاقُکم وَتُکْفَوْنَ مَؤوناتِ عَیالِکُمْ. وَقالَ:الحاجُّ مَغفورٌ لَهُ وَمَوْجُوبٌ لَهُ الجَنّهُٔ وَمُسْتَأْنَفٌ لَهُ العَمَلُ وَمَحْفوظٌ فی اهلِهِ وَمالِهِ.

(فروع کافی، ج ۴، ص ۲۵۲)

امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود:

حج و عمره به جای آورید، تا بدنهای شما تندرست و روزیهای شما فراوان و گسترده شود و هزینه‌ها و مخارج خانواده شما تأمین گردد. و ... «حاجی» آمرزیده است و بهشت برای او حتمی و واجب است و باید اعمالش را از سر گیرد و نیز خانواده و اموالش برای او محفوظ می‌ماند.

ص:۶۳

آثار و برکات حج، هم شامل جنبه‌های مادی است، هم روحی و معنوی.

مسافرت، هم انبساط خاطر و تجدید روحیّه و قوا می‌آورد، هم خستگیهای کار مداوم را از بین می‌برد، بعلاوه در اثر آگاهیهای اجتماعی و اقتصادی، وسعت رزق می‌آورد. آنچه را هم که حاجی در راه خدا و زیارت «بیت‌اللّه» خرج کند، جبران می‌شود و در غیاب او مخارج خانواده هم تأمین می‌گردد.

اینها همه وعده‌های پروردگار است و در وعده او خلاف نیست. جبران پرداخت حقوق واجب مالی، از سوی خداوند تضمین شده است و در احادیث است که دادن زکات، سبب افزایش مال می‌گردد. حج نیز نوعی «ایثار مالی» در کنار حضور جسمی در سرزمین وحی و خاستگاه اسلام است.

بهره و ثمره معنوی این زیارت، مغفرت و آمرزش است.

آنکه گناهان گذشته‌اش بخشوده شود، بجاست که پرونده عمل خویش را با «عمل صالح» و رعایت تقوا و تعبّد آغاز کند و نگذارد بار دیگر این مجموعه به خلاف و جرم، آمیخته گردد. آنکه با خدا و برای خدا باشد، خدا هم با او و برای اوست و کفیل و عهده‌دار کارهای او می‌گردد.

ص:۶۴

کمک به حجّاج

عن اسماعیل الخثعمی قال:قلتُ لأبی عبداللَّه علیه السلام:

انّا اذا قَدِمْنا مَكَّةَ ذَهَبَ اصحابُنا یَطوفونَ وَ یَتْرُكونی احْفَظُ مَتاعَهُمْ، قالَ:انتَ اعْظَمُهُمْ اجْراً.

(فروع کافی، ج ۴، ص ۵۴۵)

اسماعیل خثعمی گوید:به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

ما وقتی به مکّه وارد می‌شویم، همراهان و همسفران ما به طواف می‌روند، و مرا نزد وسایل و اشیای خود می‌گذارند تا از آنها نگهبانی و مراقبت کنم.

حضرت فرمود:پاداش تو بیش از آنان است!

ص ۶۵

اجر و پاداشـی را که خداونـد به خدمتگزاران به بندگان خدا عطا می‌کند، بسـیار و چشـمگیر است، بویژه اگر این خدمت، به زائران خانه خدا باشد.

از طرفی آنچه در زیـارت و طواف و اعمال عبادی مهمّ است، خاطر جمعی و داشـتنِ حضور قلب و نداشـتن نگرانی و آشـفتگی فکر است. این پریشان خاطری گاهی به خاطر وسایل حاجی است که می‌ترسد گم شود یا به سرقت رود.

کسی که در مراقبت و حفاظت از وسایل حاجیان خدمت می‌کند، در واقع به حجّاج دیگر کمک کرده است که با خاطری آسوده‌تر به عبـادت بپردازنـد و خـدای متعـال این کار را دوست می‌دارد و پاداش بیشتری می‌دهـد. خوشا به حال آنانکه خادمان حجّاج‌انـد و تسـهیلاتی را برای مهمانـان خـدا فراهم می‌کننـد. حتی انجام یک کار و برآوردنِ یک نیاز از برادر دینی، پاداشـی به مراتب بیش از دهها طواف و سعی دارد.

مبادا این خدمت، ناچیز شمرده شود و به کار خدمه حج به چشم حقارت نگریسته شود!

ص:۶۶

مهمان خدا

قال عليٌّ عليه السلام:

الحاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفْدُ اللَّهِ وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ تَعالى انْ يُكرِمَ وَفْدَهُ ويَحبُوهُ بالمَغْفِرَةِ.

(بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۸)

امام على عليه السلام فرمود:

حج كننده و عمره كننده، مهمان خداوند است و بر خداى متعال است كه مهمانش را اكرام كند و او را مشمول آمرزش خود قرار دهد.

ص:۶۷

دعوتنامه الهی برای انجام «حج» و «عمره»، از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تا کنون، دلهای مشتاق و مؤمن را به زیارت فرا خوانده است. آنکه به این سرزمین وارد می‌شود، چون مهمان خداست و به دعوت او آمده، پس به «مهمانخانه» قدم نهاده است.

خداوند هم کریم است و کرمش مقتضی پذیرایی از مهمان است. مهمانِ «ضیافت خانه» الهی جز با رحمت و مغفرت پذیرایی نمی‌شود. نعمتها و اکرامهای مادّی گذرا و فانی است، امّا وقتی بنده‌ای بر سر سفره بخشایش الهی بنشیند و از مغفرت او برخوردار گردد، به کامیابی ابدی رسیده است.

مگر نه اینکه بندگان عاصی، بیش از هر چیز به آمرزش مولی نیازمندند؟ این سفر نیز، سفر معنوی است و حضور در محضر مولای کریم و غفّار. مگر می‌شود خداوند، بندگانش را به ضیافت دعوت کند و به «وعده غفران» عمل نکند. البتّه هیچ کس را بر خداوند، حقّی نیست، این خود آن بزرگوار است که رحمت و مغفرت را بر عهده گرفته و وعده داده است.

ص:۶۸

حج، برنامه بندگی

قال علیٌّ علیه السلام:

فَرَضَ عَلَیْکُمْ حَجَّ بَیْتِهِ الحَرامِ الَّذی جَعَلَهُ قِبْلَهً لِلْأَنـامِ، یَرِدُونَهُ وُرُودَ الأنْعـامِ ویَأْلَهونَ الَیهِ وُلُوهَ الحَمامِ وَجَعَلَهُ سُبْحانَهُ عَلامَهً لِتَواضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَاذْعاناً لِعِزَّتِهِ.

(میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۶۶)

حضرت علی علیه السلام فرمود:

خداونـد، حجّ خـانه خـود را بر شــما واجـب سـاخت، خـانه‌ای کـه آن را قبلـه مردم قرار داد، مردم وارد آن می‌شونـد و شــیفته آن می گردنـد، آنگونه که حیوانات و کبوتران به آبشـخور گوارا فرود می‌آینـد، و آن را نشانه تواضـعشان در برابر عظمت خدا و گردن نهادن به عزّت و قدرت الهی قرار داد.

ص:۶۹

قبله، رمز «جهتگیری متّحد» و نشانه «همسویی» امّت محمّدی است. خداوند متعال کعبه و زیارت «بیت‌اللَّه» را واجب ساخته و شوقی زایدالوصف در دل مسلمین افکنده تا از سراسر جهان، عاشقانه به دیدار آن آیند و برای بوسیدن «حجرالأسود» و طوافِ «بیت‌العتیق» و حضور در صحرای عرفات و منا، لحظه شماری کنند.

زائران مشتاق، وقتی به این دیار می‌رسند، همچون تشنگانی‌اند که به آب رسیده‌اند. امّا باید از این زیارت، درس و برنامه زندگی و عبودیّت گرفت.

بنده، کسی است که عظمت الهی و نیاز خویش را بشناسد و عزّت و شکست ناپذیری خداوند را اذعان کند و بپذیرد. نتیجه چنین معرفت، فروتنی و خضوع در برابر اوست و چنین خضوعی رمز رفعت و بزرگواری است و تا کسی در برابر خدای عظیم، کوچکی نکند به بزرگی نمی‌رسد و تا انسانی به عبودیّت خود اعتراف نکند، عزّت و کرامت نمی‌یابد.

کعبه و حج، معیار شناخت تواضع و طاعت بندگان است. نشانه صدق در بندگی هم فروتنی و کنار نهادن کبر و خود بزرگ‌بینی است.

ص:۷۰

آرزوی بازگشت

قال الصادق علیه السلام:

مَنْ خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ لايُرِيدُ الْعَوْدَ الَيْها فَقَدْ اقْتَرَبَ اجَلُهُ وَدَناعَذابُهُ.

(وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۷)

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس از مکه خارج شود، در حالی که اراده و تصمیم به بازگشت به آن را نداشته باشد، یقیناً اجل و عذاب او نزدیک شده است.

ص:۷۱

حج، عبادتی بزرگ است و تکرار آن فضیلتی بسیار دارد.

در صورت امکان و مناسب بودن شرایط، خوب است که افراد متمکّن پیوسته خانه خدا را زیارت کنند.

آرزوی زیارت و دعا برای نصیب شدن حج نیز، مورد تأکید در دعاها و روایات است.

زائری که ایام حج را سپری کرده و با حرم الهی وداع می‌کند، اگر اهل معرفت و عشق باشد، نیمی از دلش را در مکّه و مدینه باقی می‌گذارد و نیم دیگر را با خود می‌برد.

اشک فراق خانه یار، از دیدگان جاری می‌شود و آرزوی بازگشت دوباره به این مشاهد کریمه را دارد.

کسی که به هر دلیل، هنگام ترک مکّه آرزو و اراده دوباره آمدن نداشته باشد، از لطف الهی و درک فیض حضور محروم است.

دل باید خیلی سنگ شده باشد که هوای کعبه و زیارت مجدّد نداشته باشد.

چنین کسی به پایان خط زندگی نزدیک است و عذاب خدا در پیش.

خدایا شعله «شوق زیارت» را در دلهای ما مشتعلتر بگردان.

ص:۷۲

استقبال حجّاج

قال علیّ بن الحسین علیه السلام:

یا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ یَحِجَّ! اسْتَبْشِروُا بِالْحاجِّ اذا قَدِمُوا فَصافِحُوهُمْ وَعَظِّمُوهُمْ فَانَّ ذلِکَ یَجِبُ عَلَیْکُمْ، تُشارِکُوهُمْ فِی الأجْرِ.

(من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۸)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

ای گروه کسانی که به حجّ نرفته‌اید! زائران خانه خدا وقتی از حج برمی‌گردند، خوشحالی کنید و مژده دهید، باآنان‌دست بدهید وبزرگشان بدارید، این‌کاربرشما لازم است، تا در اجر و پاداش حج، با آنان شریک شوید.

ص:۷۳

از سنّتهای خوب در جامعه اسلامی، بدرقه و استقبال حاجیان است.

این کار، سبب می‌شود تا حج، قداست و حرمت خود را در دل و دیده امت مسلمان همچنان حفظ کند و نوعی تشویق دیگران به این سفر معنوی و مقدّس است.

چاووش خوانی برای زائران اماکن مقدس و مکه و مشهد و کربلا، از دیرباز رسم بوده است. آنان که توفق زیارت می‌یابند، مشمول لطف الهی‌اند. آنان هم که از این زیارت محرومند، برای شریک شدن در پاداش این عبادت، خوب است که زائران را احترام و تکریم کنند و هنگام بازگشت حجاج، به دیدار و روبوسی آنان بروند.

عطر دیار توحید و صفای حرم نبوی را می‌توان از زائر، استشمام کرد.

در حدیث نیز آمده است:کسی که زائر ما را دیدار کند، ما را زیارت کرده است، گرامیداشت بازگشت زائران خانه خدا هم از مصادیق «تعظیم شعائر» است و ثواب دارد.

ص:۷۴

زیارت پیغمبر

قال علیٌّ علیه السلام:

اتِّمُوا بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَجَّکُمْ اذا خَرَجْتُمْ الی بَیْتِ اللَّهِ فَانَّ تَرکَهُ جَفاءٌ وَبِذلِکَ امِرْتُم وَاتِمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتی الْزَمَکُمُ اللَّهُ عَزَّوجَلَّ زیارَتَها وَحَقَّها وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَها. (

بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

آنگاه که به زیارت خانه خدا می‌روید، حج خود را با زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله کامل کنید، چرا که ترک آن جفاست و شما به این مأمور شده‌اید. حج خود را با زیارت قبوری کامل سازید که خدای متعال، زیارت آنها و حقّ صاحبان قبور را بر شما لازم کرده است و نزد آن قبرها از خداوند، روزی بطلبید.

ص:۷۵

تمامیّت حج، به زیارت مرقد پیامبر و ائمّه است. این، احیای خطّ خانـدان رسالت و اهل بیت علیهم السلام است. وفاداری به عترت محمّـد صلی الله علیه و آله آن است که این دودمانِ پاک را چه در حال حیات و چه در ممات، از یاد نبریم. این فرمان پروردگار است. در آیات قرآن هم اجر رسالت پیامبر، «مودّت اهل بیت» قرار داده شده است.

زیارت، برنامه‌ای تربیتی و سازنده است، زیرا انس گرفتن با اسوه‌های پاکی و الگوهای اخلاق و ایمان است.

خداونـد حتی در مزار این دودمان عصـمت هم برکت قرار داده است. «توسّل» به اولیای خـدا در کنار مرقـد و تربت آنان، حاجتها و دعاها را بر می‌آورد و موجب افزایش رزق می‌گردد.

آنان که به برنامه‌های ظاهری حج اکتفا می‌کنند، از جنبه‌های تعلیمی و آموزشی و هدایتهای ویژه حج محرومند. عترت پیامبر، وسیله قرب به خدایند و آنکه حج را بدون زیارت پیامبر و اهل بیت انجام دهد، به آنان جفا و بی‌مهری کرده است.

ص:۷۶

نتيجه اخروى زيارت

قال الحسين بن علىّ عليه السلام لرسول اللَّه صلى الله عليه و آله:

يا ابَتاهُ! ماجَزاءُ مَنْ زارَكَ؟ فقالَ رَسولُ اللَّه صلى الله عليه و آله:

يا بُنَىَّ مَنْ زارَنى حَيّاً اوْ مَيِّتاً اوْ زارَ اباكَ اوْ زارَ اخاكَ اوْ زارَكَ، كانَ حَقّاً عَلَىَّ انْ ازُورَهُ يَوْمَ القيامَةِ وَاخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ. (من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۷۷)

امام حسين عليه السلام به پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله عرض كرد:

پدر جان! پاداش كسى كه تو را زيارت كند چيست؟

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

فرزندم! هر كس كه مرا در حال حيات يا پس از مرگ زيارت كند، يا پدرت، يا برادرت يا خودت را زيارت كند، بر من است كه روز قيامت او را زيارت كنم و از گناهانش خلاصش كنم.

ص:۷۷

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او، نه تنها در دنیا بلکه در آخرت هم سودمند و کارساز است.

هر دیداری بازدید دارد.

پیامبر خدا وعده داده است که عنایت خویش را از زائران خود یا زائران امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام دریغ نکند، آن هم در روزی که همه محتاج کرامت و بزرگواری و دستگیری و شفاعتِ محمد و آل محمّدند.

دیدار در دنیا، بازدید در آخرت! چه زیبا و باصفاست، آن هم دیداری که به رهایی گنهکار از عواقبِ گناهان و کیفر معصیتها بیانجامد و این همان «مقام محمود» و «حق شفاعت» است که رسول خدا و ائمّه از آن برخوردارند و برای امّت خویش ذخیره ساخته‌اند.

ص:۷۸

زيارت امامان

قال الرضا عليه السلام:

انَّ لِكُلِّ امامٍ عَهْداً فى عُنُقِ اوْليائِهِ وَ شيعَتِهِ وَانَّ مِنْ تَمامِ الْوَفاءِ بِالْعَهْدِ وحُسْنِ الأداءِ زيارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زارَهُمْ رَغْبَةً فى زِيارَتِهِمْ وَتَصْدِيقاً بِمارَغِبُوا فيهِ كانَ ائِمَّتُهُمْ شُفَعائَهُمْ يَوْمَ القيامَةِ.

(فروع کافی، ج ۴، ص ۳۴۵)

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

هر امامی را بر گردن هواداران و پیروانش عهد و پیمانی است و از جمله شرایط وفای کامل به عهد و انجام شایسته آن، زیارت قبرهای آنان است. پس هر کس از روی علاقه به زیارت و با پذیرش آنچه آنان علاقه‌مند به آنند، مزار آنان را زیارت کند، آن پیشوایان در روز قیامت، شفیع آنان خواهند بود.

ص:۷۹

زیارت، پیمان با رهبر است. در حال حیات ائمّه، به حضور آنان رسیدن و الهام گرفتن و هدایت یافتن، نشانه این رهروی و فرمانبرداری است و پس از شهادتشان حضور در کنار مزار و مرقدشان رمز این وفاداری به پیمان و «خطّ ائمّه» است.

این زیارت نیز باید با عشق و علاقه و انگیزه‌های متعالی باشد. تنها حضور در کنار حرم و مرقد اولیای دین کافی نیست، بلکه هماهنگی کامل در فکر و عمل و جهتگیری دینی و سیاسی، پشتوانه این بهره‌مندی است. آنکه در دنیا اهل بصیرت و شناختِ امامان باشد، در آخرت هم از «شفاعتِ» آنان برخوردار خواهد بود.

زیارت، ادای حقّ امامان و پایبندی به میثاق اطاعت است. فرهنگِ «یاد» و برنامه مهمّ «احیای امر ائمّه» گاهی هم به صورت زیارت تجلّی می‌کند. چگونه می‌توان کسی را هوادار و وفادار به امامان دانست، در حالی که نه با دیدار حضوری نه با زیارت مرقد آنان، این همبستگی را نشان ندهد و در کنار حرمشان عرض ادب و ادای وظیفه نکند؟!

ص:۸۰

زیارت و ولایت

قال الباقر علیه السلام:

انَّما امِرَ النّاسُ انْ یَأْتُوا هذِهِ الأَحْجارَ فَیَطوفُوا بِهاثُمَّ یَأْتُونا فِیُخْبِرُونا بِوِلایَتِهِم وَ یَعرِضُوا عَلَیْنا نَصْرَهُمْ.

(بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۳۷۴)

امام محمدباقر علیه السلام فرمود:

مردم مأمور شده‌اند که به زیارت این سنگها (خانه کعبه) آیند و برگرد آن طواف کنند، سپس نزد ما آمده، ولایت و دوستی و همبستگی خویش را با ما عرضه کنند و اعلام کنند که آماده یاری‌اند.

ص:۸۱

حج، علاوه بر جنبه عبادی و معنوی، مفهوم سیاسی و اجتماعی هم دارد. محوری برای تشکّل و تجمّع و وحدت نیروهای موحّد در جهان است.

هر تجمّعی برای آنکه آثار مطلوب داشته باشد، نیازمند هدایت و رهبری است. در موسم حج، همایش عظیم و میلیونی مسلمین از اقطار عالم اگر بر محور «ولایت» باشد، به اهرم نیرومندی در مسیر اهداف بلند اسلام تبدیل می‌شود و خواصّ این کنگره آشکار می گردد.

ولایت امامان معصوم، همین اهرم نیروبخش است. از این جهت است که کمال و تمامیّت حج، به دیدار امام است، آن هم نه تنها دیدار، بلکه اعلام وفاداری و همبستگی و عرضه کردن نصرت و یاری.

و اگر حج، جز این باشد، به مراسمی خشک و بی‌روح تبدیل خواهد گشت و به تعبیر روایت، همان چرخیدن برگرد سنگهاست. روح حج، ولایت و رهبری صحیح و الهی است. زیارت امامان رفتن، در مقدمه یا در ادامه حج خانه خدا، همین اعلام نصرت و پیوند با «خطّ ولایت» است.

ص:۸۲

زیارت در حیات و ممات

زیارت در حیات و ممات

قالَ الصّادقُ علیه السلام:

مَنْ زارَنا بَعْدَ مَماتِنا فَکَانّما زارَنا فی حَیاتِنا.

(وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۰)

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس ما (امامان) را پس از فوتمان زیارت کند، چنان است که گویی ما را در حال زنده بودنمان دیدار کرده است.

ص:۸۳

بر این باور و اعتقادیم که امامان معصوم علیهم السلام، چه در حال حیات و چه پس از شهادتشان، امام و پیشوایند و رفتار پیروان را می‌بینند و از اعمال آنان آگاهند.

رابطه میان «امام» و «امّت»، رابطه‌ای معنوی و مستحکم و ولایی است و این ولایت، تعهّداتی را بر عهده موالیان می‌گذارد.

همچنانه دیدار ائمّه در حال حیات، درس‌آموز و الهام بخش و نوعی اعلام همبستگی با جبهه حقّ آنان است، زیارت مرقد آنان هم اعلام نصرت و هم جبهه بودن با آنان و نشان وفاداری همیشگی به آنان است.

مزار امامان، همیشه قبله گاه توجّه و محبّت شیعیان بوده است. امروز هم حضور بر سر تربت پاکشان در مدینه منوّره و زیارت قبر غریب چهار امام معصوم و حجّتهای الهی، نشان صدق در پیروی و وفاداری به پیوند با اهل بیت پیامبر است.

از هوادارانِ «خطّ ولایت»، جز این نیز انتظاری نیست!

ص:۸۴

سلام و عرض ادب

قالَ الصادق علیه السلام:

مُرُّوا بِالْمَدینَهِْ فَسَلِّمُوا عَلی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ قَریبٍ وَانْ کانَتِ الصَّلوهُْ تَبْلُغُهُ مِنْ بَعیدٍ.

(فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

(هنگام حج) بر مدینه مرور کنید و از نزدیک به رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام دهید، هر چند که درود و تحیّت شما از دور هم به آن حضرت می‌رسد.

ص:۸۵

دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله چه در حال حیات و چه پس از ممات، الهام بخش است و هدایت کننده و تربیت دهنده.

زیارت مرقد حضرت رسول صلی الله علیه و آله دل و جان را حیات می‌بخشد و ایمان را تقویت می کند. مسلمانان صدر اسلام با هجرت به مدینه و دیدار حضوری با رسول خدا تأثیر می‌پذیرفتند و مبانی اعتقادی آنان استوار می‌شد و از نفس مسیحایی پیامبر، جان می گرفتند.

در «زیارت» هم همین آثار تربیتی نهفته است.

جان ملکوتی رسول‌اللّه، متوجّهِ زائران است و سلامها را از دور و نزدیک می‌شنود و زائرین را می‌بینند.

ولی ... حضور یافتن در مدینه و در کنار قبر مطهّرش، ادبِ امّت را در پیشگاه آن الگوی کمال و آینه فضیلت نشان می‌دهد.

مدینه، وطن معنوی مسلمانان است، چرا که روح و جان مسلمانان در خاک آن آرمیده است.

ص:۸۶

سلام بر پیامبر

قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله:

مَنْ سَلَّمَ عَلَیَّ فی شییءٍ مِنَ الْارْضِ ابلِغْتُهُ وَمَنْ سَلَّمَ عَلَیَّ عِنْدَ الْقَبْرِ سَمِعْتُهُ.

(وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس در هر جای زمین بر من سلام دهد، آن سلام را به من می‌رسانند و هر کس نزد قبر، بر من سلام دهد، آن را می‌شنوم.

ص:۸۷

یکی از بزرگترین توفیقها، سلام دادن به رسول اللَّه صلی الله علیه و آله است و یکی از ارزشمندترین نعمتها، آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام انسان را بشنود و آن را پاسخ دهد.

طبق حدیث فوق، هیچ سلامی نیست که به محضر رسول خدا گفته شود، مگر آنکه آن حضرت از آن آگاه می‌شود، یا می‌شنود، چه از دور و چه از نزدیک.

زائری که در حرم نبوی و رو به حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌ایستد و به آن حضرت سلام می‌دهد، باید این احساس را داشته باشد که در محضر خاتم انبیاء ایستاده و اظهار ادب می‌کند و حضرت هم سلامش را می‌شنود.

پس هیچ فرصتی را برای سلام دادن به محضر حضرت رسالت از دست ندهیم و همیشه در همه جا زمزمه سلام بر آن حضرت را داشته باشیم و با این درودها به آستان بلندش تقرّب بجوییم.

ص:۸۸

هجرت به سوی قبر پیامبر

هجرت به سوی قبر پیامبر

قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله:

مَنْ زارَ قَبْری بَعْدَ مَوْتی کانَ کَمَنْ هاجَرَ الَیَّ فی حَیاتی فَانْ لَمْ تَسْتَطیعُوا فَابْعَثُوا الیَّ بالسَّلامِ فَانَّهُ یَبْلُغُنی.

(تهذیب، ج ۶، ص ۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس پس از وفات من قبر مرا زیارت کند، گویا در حال حیاتم به سوی من هجرت کرده است. پس اگر نتوانستید قبرم را زیارت کنید، از دور به من سلام بفرستید، که یقیناً به من خواهد رسید.

ص:۸۹

از بزرگترین افتخارات و موهبتها، توفیق دیدار حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. در عصر آن پیامبر عزیز، کسانی از راههای دور و با تحمّل رنج راه و بادیه و مشقّتهای سفر به سوی مدینه «هجرت» می‌کردند تا به زیارت آن حضرت نائل آیند و جمال حجّت الهی و آخرین سفیر پروردگار را ببینند.

چه زیباست که مسلمانی به دیدار پیغمبر رود، یا به محضر آن حضرت سلام عرض کند و آن پیامبر رحمت نیز سلامش را شنیده، پاسخ گوید.

«زیارت قبر» در این حدیث، همانند «دیدار حضوری» و هجرت به سوی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به حساب آمده است.

اگر کسانی توفیق این تشرّف و زیارت «روضه نبوی» را نداشته باشند، باز هم «سلام» کردن بر آن حضرت، جایگزین زیارت شمرده شده است و این نهایت لطف و عنایت است. برای آن حضرت هم نزدیکی یا دوری مسافت تفاوتی نمی‌کند. هر کس از هر جا عرض سلام کند، فرشتگان الهی و پیکهای عالم ملکوت، این عرض ادب و ارادت را به محضر نورانی‌اش می‌رسانند.

ما نیز از همینجا زبان به سلام می‌گشاییم و به پیشگاه حضرتش عرض می‌کنیم:

«السلام علیک یا رسول اللّه، السلام علیک یا محمد بن عبداللّه».

ص:۹۰

نماز در مسجدالنبی

قال الصادق علیه السلام:

اکْثِرِ الصَّلاةَ فی مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ، فَانَّ رَسُولَ اللَّهِ قالَ:صَلاةٌ فی مَسْجِدی هذا کَالْفِ صَلاةٍ فی مَسْجِدِ غیرِهِ ...»

(بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۳۸۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

در مسجد پیمبر، زیاد نماز بخوان، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:یک نماز در مسجد من همچون هزار نماز در مسجد دیگر است.

ص:۹۱

گاهی جاها و زمانهای خاصّ، فضیلتهای ویژه‌ای دارد.

بشرط آنکه ما هم فضیلت آنها را بشناسیم و از آن، فیض ببریم.

مسجد پیامبر، که همچون قطعه‌ای از بهشت برین در روی زمین است، از این قبیل است.

برخی در ساعات حضور در مسجدالنبی، به صحبتهای بلند بلند، یا به تماشای در و دیوار و مردم دیگر می‌پردازند، عده‌ای هم در فرصتهای ناب و کمیاب این ایام، به نماز و عبادت و قرائت و ذکر می‌پردازند و لحظات خویش را پربار و سرشار می‌کنند.

خوشا آنان که در پی کسب فیض، به مسجد رسول خدا می‌روند و به نیابت از پدر و مادر و شهدا و گذشتگان و نیز از طرف دوستان و ملتمسین دعا به نیایش و نماز می‌پردازند.

نیاز روزهای آینده ما، و بالاتر از همه نیاز آخرت ما، ایجاب می‌کند که هر چه بیشتر در اینجا به ذخیره‌سازی پردازیم.

امروز را در یابیم ... که فردا دیر است و فرصت، در گذر!

ص:۹۲

غربت مدینه

ماییم و نوای عاشقانه‌ماییم و دل پر از بهانه
ماییم و دل و بهانه یارماییم و صفای خانه یار
ماییم و شرار و سوز سینه‌تنهایی و غربت مدینه
ماییم و دلی که پر زداغ است‌شبهای بقیع بی‌چراغ است
ماییم و همان دل شکسته‌چشمان پر اشک و جان خسته
در شهر نبی که پرفریب است‌ذریّه مصطفی غریب است
از بام و در مدینه پیداست‌مظلومه اهل بیت، زهراست
طوفانِ غم و بلا که خیزددل سوزد و دیده اشک ریزد
ای فاطمه! ای که بهترینی‌بر خاتم انبیا نگینی

ص:۹۳

از عشق تو گشته عالمی مست‌بی عشق تو هر چه راه، بن‌بست

ای روشنی وجود، زهرابازو و رخت کبود، زهرا

ای خورده کتک ز دست بیدادای برده تو را مدینه از یاد

شهر تو چرا چنین غم آلود؟ یادآور ظلم و آتش و دود

سوغات مدینه اشک و آه است‌پنهانی قبر تو گواه است

هر چند که قبر تو نهان است‌نام تو فراتر از جهان است

در موج بلا تو نوحِ مایی‌جسمیم همه، تو روح مایی

ای مادرِ یازده ستاره‌ای دل ز غم تو پاره پاره

ما مهر تو را به سینه داریم‌عمریست غم مدینه داریم

تا کی سر ما به زانوی غم؟ تا چند بقیع و بوی ماتم؟

ما چشم به راه آفتابیم‌مدیون دعای مستجابیم

خورشید حضور، چون برآیدفصل غم و غربت سرآید

جواد محدّثی

مدینه ۲/ ۲/ ۷۴

ص:۹۴

منابع

۱. الاحتجاج، طبرسی
۲. الجعفریّات، محمد بن اشعث کوفی
۳. بحارالانوار، علّامه مجلسی
۴. تهذیب، شیخ طوسی
۵. خصال، شیخ صدوق
۶. علل الشرایع، شیخ صدوق
۷. فروع کافی، کلینی
۸. مستدرک الوسائل، محدث نوری
۹. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق
۱۰. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری
۱۱. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹